



## کافه خاطره صبا؛ گفت‌وگو با

## فائزه فیض مدرس تئاتر

## و ادبیات کودک و نوجوان

# تئاتر یعنی

# زندگی

احمد محمد اسماعیلی  
گفت و گو  
یک علاقه‌مند راستین و با صداقت که در این چهار دهه فعالیت هنری اش همواره در حوزه کودک فعالیت کرده و توانسته اقدامات موثری انجام بدهد. فائزه فیض کارش را در کانون و در کنار بزرگانی نظیر داود کیانیان و کامبیز صمیمی مفخم آغاز کرد. در کنار تئاتر و ادبیات و انیمیشن، مجسمه سازی و طراحی هنری را با جدیت دنبال کرده است و در حوزه تئاتر کودک سالهاست که در جشنواره کودک و نوجوان همدان به عنوان طراح صحنه و عروسک، برگزار کننده کارگاه‌های آموزشی کاربردی و مدرس کارگاه‌های تئاتری شرکت کرده است. فیض در دهه هشتاد برای ادامه تحصیل به همراه همسر و پسرش به فرانسه رفته و در تئاتر با بزرگانی نظیر مریم معترف و منصور خلیج، حمید منتکلم و داوود کیانیان همکاری کرده و در شورای انتخاب آثار تالار هنر، شورای کتاب کودک، بنیاد نمایش کودک و همچنین انجمن تئاتر کودک و نوجوان هم یکی از اعضای مدیر بوده است. با فیض گفت‌وگو و مروری داریم به فعالیت‌های موثرش در حوزه ادبیات و تئاتر کودکان.

جزو هنرمندانی هستید که این موقعیت را داشتید که در آخرین دوره‌های طلایی کانون پرورش در محیطش فعالیت کنید. حضور در کانون برای تان چه ویژگی‌هایی داشت؟  
دانشجوی سال اول تئاتر دانشگاه تهران بودم که متوجه شدم تعدادی عوامل برای اجرای نمایشی در کانون مورد نیاز است و راهی کانون شدم و تا به امروز ماندگار شدم.

آیا آن دوران هم مثل حالا دغدغه کار کودکان را داشتید؟  
نه، حتی دغدغه تئاتر هم نبود. دیپلم ریاضی داشتم و بعدش هم چند سالی شاگرد آقایان چلیپا و زارعیان در حوزه تجسمی بودم. روزی به همراه دوستم به دیدن نمایش آنتیگونه به کارگردانی مجید جعفری رفتیم و بعدش هم با دیدن هملت دکتر صادقی عاشق تئاتر شدم.

این قضا یا قبل از دهه هفتاد است؟  
بله، این اتفاق باعث شد چند روزی که به برگزاری کنکور باقی مانده بود تغییر شیفت بدهم و رشته تئاتر را برای تحصیل انتخاب کنم.

### با این تعریف آدم دمدمی مزاجی هستید؟

نه، فکر نمی‌کنم (باخنده)!. از دنبال کردن این هنرها هم پیشیمان نیستم. قبل از کنکور هم مدتی شاگرد ابراهیم جعفری در حوزه طراحی و هنرهای تجسمی بودم. با ایشان درباره انتخاب تئاتر سوال کردم و پاسخ داد که برو هر طوری دوست داری زندگی کن. تئاتر یعنی زندگی.

### چهره تبه‌ای داشتید؟

رتبه‌ام زیر صد بود و هر رشته‌ای را برای تحصیل مثل گرافیک و طراحی صنعتی را می‌توانستم انتخاب کنم. اولین انتخابم تئاتر دانشگاه تهران بود. همزمان با تحصیل در رشته تئاتر دانشگاه، کلاس‌های استاد دازش در حوزه مجسمه سازی را می‌رفتم.

### برگردیم به حضور تان در کانون؟

سال ۷۱ به کانون رفتم. داود کیانیان به تازگی مدیریت کانون را بر عهده گرفته بود و قرار بود نمایش «خروسک پریشان» را اجرا کند و گروهی از جوانان را دور خودش جمع کرد.

### در این دوره چه هنرمندانی حضور داشتند؟

امین زندگانی، سیروس همتی، شهرام کرمی، ماندانا جعفری، آرش شریف‌زاده و خیلی‌های دیگر بودند. البته کانونی‌ها در آن زمان با ما جوان‌ها زاویه و کنتاکتی داشتند و تازه مدیریت تغییر پیدا کرده بود و زاویه بیشتر از این جهت بود.

### مدیریت قبلی بر عهده چه کسی بود؟

فکر می‌کنم قبلیش دکتر عزیزی بودند. ولی یک سال‌هایی هم کامبیز صمیمی مفخم بود و قبل‌تر از آن هم در دهه شصت فکر کنم آقای بهروز غریب پور این سمت را بر عهده داشتند. آقای صمیمی مفخم در دانشگاه استاد من هم بود و قرار بود که پایان‌نامه‌ام را با ایشان بگیرم که متأسفانه فوت کردند. ایشان بسیار برخورد خوبی داشتند و چون آرشیو کانون دست ایشان بود به مطالب مربوطه به دوران طلایی کانون در دهه‌های چهل و پنجاه دسترسی پیدا کردم. در دهه پنجاه کانون حرکت جالبی داشت بدین منوال که کارگردان معروف آمریکایی دان لافون را به ایران آورد و تعدادی دانشجوی تئاتر از قبیل دکتر صادقی، رضا بابک، مرضیه برومند، مسلم قاسمی و خیلی‌های دیگر را برای آموزش به ایشان معرفی کرد و بعد از اتمام دوره در کتابخانه‌های کانون در سراسر کشور مشغول به کار تئاتر شدند. اتفاقی که در دهه‌های اخیر از سوی کانون فراموش شده است. البته آنلاین شدن آموزش که بعد از کرونا به صورت اتفاقی رخ داد تا حدی فرصت آموزش را در اختیار شهرستانی‌ها قرار داد. خود من هم چنین کارگاه‌هایی دارم که از سراسر کشور به صورت مجازی دنبال می‌شود.

اما تأثیری که دوره‌های خیلی دور تر که این ورک شاپ‌ها توسط هنرمندان با سابقه در شهرستانها برگزار می‌شد و خروجی‌های موفق‌تری را به تئاتر و سینما معرفی می‌کرد بیشتر بود و در سالهای اخیر چنین روندی دیده نمی‌شود. حرفتان را قبول دارم. در تئاتر همینطور است. اما من به معلمان نمایش خلاق تدریس می‌کنم تا از این آموزش‌ها در مدارس استفاده کنند. در زمان مدیریت شهرام کرمی در ۵ دوره مسئول کارگاه‌های آموزشی جشنواره تئاتر کودک همدان بودم و مدرسین نام‌آشنایی از سراسر دنیا مثل آقای فریدمن، خانم هافمن و یا آقای گوردن و این را دعوت کردیم تا کلاس آموزشی برگزار کنند ولی متأسفانه چندان استقبالی از این کارگاه‌ها نمی‌شد و تعدادمون اندازه انگشتان دو دست هم نبود.

یکی از آفت‌های هنرمندان نسل جوان این است که خودشان را همه چیز دان و بی‌نیاز از آموزش می‌دانند!

متأسفانه چندان به دنبال آموزش نیستند. الان به واسطه رشد تکنولوژی هر کسی می‌تواند راحت وارد یوتیوب شود و انواع اجراهای تئاتر خارجی را ببیند. در حالی که در دهه‌های قبلی چنین شرایطی وجود نداشت و متأسفانه فکر می‌کنند با دیدن ۴ تا اجرای خارجی همه چیز را می‌دانند. در حالی که مخاطب شناسی اصل ماجراست و این که متناسب با فرهنگ و نیازهای مخاطب متن دراماتیکی خلق کنند که منجر به یک تئاتر خلاق بشود. از طرف دیگر در این فضا ماندگار نیستند و تئاتر کودک کار کردن سکوی پرتابی است تا وارد تئاتر بزرگسال بشوند.

### دوباره به دهه هفتاد و فعالیت تئاتری شما در کانون

#### برگردیم.

آن موقع تئاتر «خروسک پریشان» در دو گروه فعال بود و من طراحی صحنه و لباس آن را انجام دادم. نمایش «خروسک پریشان» بالای هزار تاجرا در سراسر کشور رفت. کار به صورت ساده‌سازی انجام شد. هم طراحی صحنه و هم طراحی عروسک‌ها که با جوراب و دستکش ساخته شدند توسط خانم ملیحه کیانیان (خواهر رضا کیانیان) انجام شد. داشتیم کودک‌کان دهه هفتادای‌ای که بالای ۸ بار این اجرا را دیده بودند و در خانه‌هایشان بازی‌های نمایشی آن را انجام می‌دادند. بعد از آن کار با کارگردان‌های مختلفی در کانون کار کردم و به نوعی تا دهه هشتاد حدود ۱۵ کار کودک داشتم.

به نظرم تئاتر کودک از پتانسیلی که با داشتن سالن اختصاصی مثل تالار هنر در اختیارش قرار گرفته نتوانسته است استفاده لازم را ببرد و اجراهای متوسط و حتی ضعیفی در این سالن روی صحنه می‌رود. به نظر شما که مقطعی عضو شورای انتخاب آثار این سالن برای اجرا بودید. دلیل این پس رفت چیست؟

در این سالها از توان و پتانسیل هنرمندان حرفه‌ای تئاتر کودک استفاده نمی‌شود. موقعی که سالنی حرفه‌ای و استاندارد داریم باید از آدم‌های حرفه‌ای هم برای اجرا دعوت کنیم. کارگردانی که مخاطب و نیازهایش را می‌شناسد.

آن دوره‌ای که در این شورا حضور داشتید تلاشی نکردید تا چنین اتفاقی رخ بدهد؟

واقعیت این است که باید برای اجرای نمایش خوب به آدم حرفه‌ای بودجه و امکانات قابل قبول بدهید و ما چنین بودجه‌ای در اختیار نداشتیم. مانمی توانستیم به دلیل بودجه به کسی سفارش کار بدهیم. هنرمندانی نظیر محمدحسن معجونی و محمدعاقبتی در دهه نود چند کار خوب کودک و نوجوان روی صحنه بردند که در سالنهایی به غیر از تالار هنر بود. نکته مهم نوع مخاطب تالار هنر است که مخاطب هدفش خردسالان است...

اما می‌شد با سیاست‌گذاری درست و استفاده از اجراهایی که دیدنش برای خانواده‌ها جذاب است این تالار را به عنوان مکانی مهم برای اجرای نمایش‌های درجه یک و خوب کودک و نوجوان تثبیت کرد؟

اکثر نام‌هایی که اشاره کردید کارشان کودک نیست و مخصوص نوجوان کار کرده‌اند و کار نوجوان در حیطه اجراهای تالار هنر نیست.

هنرمندی مثل بهروز غریب پور را می‌توان راضی کرد که در حوزه تخصصی‌اش تئاتر کودک در این تالار نمایش روی صحنه بیاورد؟

درست است. این هنرمندان سرمایه‌های تئاتر ما هستند و نباید در یک حوزه محدودشان کرد. البته خیلی از هنرمندان مطرح کانون همچنان در این عرصه فعالیت می‌کنند و اگر برای‌شان بودجه و

